

پنج شنبه 3 آذر 28 ذي الحجه 24 نوامبر

واقعه حرّه و قتل عام اهالي مدینه در سال 63 هجري قمری ...

**واقعه حرّه و قتل عام اهالي مدینه در سال 63 هجري قمری**

پس از شهادت امام حسین(ع) و یاران وفا دارش در سرزمین کربلا و اسیر شدن بازماندگانشان به دست سپاه یزید بن معاویه و افشاگری بازماندگان اهل بیت(ع) مانند امام زین العابدین(ع)، حضرت زینب کبری(س)، حضرت رباب همسر امام حسین(ع) و دیگر اسیران و هواداران اهل بیت(ع)، جوّ عمومی مسلمانان نسبت به یزید بن معاویه و کردار غیر اسلامی وی متغیر و او در جامعه اسلامی بی مقدار و ستمگر نشان داده شد و روز به روز تنفر مردم نسبت به وی و عاملان و مزدورانش زیاد تر می گردید.

یزید بن معاویه برای کاهش نارضایتی های مردمی، تعدادی از معاریف و بزرگان حجاز، از جمله عبدالله بن حنظله را به دمشق دعوت کرد و از آنان پذیرایی نیکویی به عمل آورد و بخشش های زیادی به آنان نمود، تا از این راه، آنان را به خود جذب کرده و تعریف و با توصیف های آنان از یزید، تنفر عمومی مردم را از حکومت بکاهد .

ولیکن، نتیجه کار یزید، بر عکس شد. زیرا آن هایی که به کاخ یزید رفته بودند، چیز هایی از یزید و درباریان او دیده بودند که هرگز چنین تصویری پیش از این در باره وی نداشتند و تازه فهمیدند که امام حسین(ع) به حق بر ضد یزید قیام کرد و در این راه کشته شد. بدین جهت آنان نیز به افشاگری یزید پرداخته و هر آنچه دیده بودند برای مردم بیان کردند و بخشش های یزید و تطمیع های وی تأثیری در این ماجرا نداشت.

عبدالله بن حنظله، فرزند شهید نامدار اسلام "حنظله غسیل الملائکه" بود، که پدرش یک روز پس از عروسی اش، در جنگ احد کشته شد و به حنظله غسیل الملائکه معروف ولی فرزند از او به جا ماند که عبدالله نامیده می شد و با مراقبت و تربیت مادرش، رشد یافت و از بزرگان و معاریف مدینه منوره گردید. وی پس از بازگشت از شام، در جمعی از مردم مدینه خطبه ای خواند و چنین گفت: فو الله ما خرجنا علی یزید حتی خفنا أن نرمي بالحجارة من السماء...؛ به خدا سوگند ما بر علیه یزید قیام نکردیم، مگر اینکه می ترسیم [با سکوت و سازش ما با او] آسمان، سنگ بر ما ببارد. زیرا او مردی است که ازدواج با مادران، دختران و خواهران را مباح می کند و در روز روشن خمر می نوشد و به نماز بی توجهی می کند.

بدین گونه چهره واقعی یزید بن معاویه، خلیفه غاصب و ستمگر را برای اهالی مدینه منوره روشن نمود و آنان را به نا فرمانی و قیام عمومی بر ضد او فرا خواند.

سر انجام اهالی این شهر مقدس به رهبری عبدالله بن حنظله، بر عامل یزید در این شهر یعنی عثمان بن محمد بن ابی سفیان فشار آورده و او را به همراه تمامی افراد خاندان ستم پیشه بنی امیه و هواداران ایشان از شهر اخراج کردند، و شهر را به تصرف خویش در آوردند. در همین هنگام عبدالله بن زبیر نیز در مکه معظمه قیام کرد و این شهر را از دست بنی امیه بیرون آورده بود.

یزید بن معاویه، برای سر کوبی مردم حجاز، مسلم بن عقبه را که به خون ریزی و جنایت کاری معروف بود، با سپاهی عظیم به سوی آنان گسیل داشت و این سپاه از راهنمایی های عبد الملک بن مروان، که از فراریان مدینه بود اطلاعات لازم را به دست آورد و سر انجام در 28 ذي حجه، سال 63 قمری به شهر مدینه منوره هجوم آوردند و با انقلابیون و مخالفان بنی امیه به نبرد پرداختند.

انقلابیون مدینه تا توان داشتند به رزم بی امان خود ادامه دادند ولی سپاه حجیم و پر تعداد شامی توانشان را برید و آنان را وادار به شکست سنگین نمود.

تعداد زیادی از مردم مدینه کشته و زخمی گردیدند و عده ای نیز فرار کرده و به عبدالله بن زبیر در مکه معظمه پیوستند. عبدالله بن

رسیدند.

مسلم بن عقبه سه روز جان، مال و ناموس اهالی مدینه را بر لشکریانش مباح کرد و سپاهیان بی نزاکت شامی چنان وحشی گری نمودند که روی تاریخ را سیاه کردند و بر هیچ یک از بازماندگان صحابه رسول خدا(ص) و فرزندان و نوادگانش ترحم نکردند و قتل عام بزرگی به راه انداختند. گویند قریب هزار و هفصد تن از بزرگان و بزرگ زادگان و حدود ده هزار نفر از سایر مردم مدینه در این واقعه قتل عام شدند.

لشکریان یزید بنا به فرمان وی، تنها به بیت معظم حضرت امام زین العابدین(ع) و علی بن عبدالله بن عباس متعرض نشدند.

این واقعه هولناک را رسول خدا(ص) در سفری که به مکه معظمه می رفت در سرزمین حژه [در یک مایلی بیرون مدینه] پیش گویی کرد و برای آن بسیار متأثر شد.

رحلت ملا هادی سبزواری صاحب اسرار الحکم در سال 1289 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

ملا هادی سبزواری در سال 1212 هجری قمری در سبزواری خراسان چشم به جهان گشود پدر وی حاج مهدی از بزرگان و تجار سبزواری بود.

تحصیل :

ملا هادی به ترغیب پدر و به شوق فطری در زادگاه خود مشغول تحصیل شد. بعد از اتمام مقدمات در سن 21 سالگی جهت زیارت خانه خدا از سبزواری خارج گردید. ملا هادی در خاطرات خود می گوید در بین راه وقتی به اصفهان رسیدم (اصفهان آن روز دارالعلم بود) مدتی اقامت نموده روزی در جلسه درس مرحوم آخوند ملا اسماعیل حاضر شدم جاذبه معنوی آن بزرگوار و رفتار عارفانه آن استاد با شاگردانش چنان مرا مجذوب نمود که موونه سفر حج را به کتاب و دفتر و لوازم اقامت صرف کرده قرار را بر حرکت ترجیح داده و حدود 10 سال از محضر آخوند بهره های بیشمار بردم در سال 1242 هجری قمری که مرادم بر حسب ضرورت به تهران تشریف بردند من هم به خراسان برگشتم و در مدرسه حاج حسن مشغول مباحث علوم نقلیه و علوم عقلیه شدم ...

اساتید :

حکیم سبزواری از محضر اساتید عالیقدری در اصفهان تلمذ نمود و سپس به مدت 40 سال در سبزواری مشغول تدریس گردید. جهت تبرک به نام چهار نفر از آنها اشاره می شود.

1- حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن خراسانی معروف به کرباسی.

2- شیخ محمد تقی بن عبد الرحیم معروف به صاحب الهدایه.

3- ملا علی بن ملا جمشید مازندرانی نوری اصفهانی.

4- ملا اسماعیل درب کوشکی فرزند ملا سمیع.

شاگردان :

شاگردان بی شماری از مکتب پر فیض حکیم بهره مند شده اند که به چند نفر از آنها اشاره می شود.

1- آخوند ملا محمد فرزند ارشد ملا هادی سبزواری.

2- آخوند ملا کاظم خراسانی صاحب کفایه الاصول.

3- ملا محمد کاظم سبزواری.

4- آقا شیخ علی فاضل تبتی.

5- حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری.

6- آقا سید احمد رضوی پیشاوری.

7- ملا عبد الکریم قوچانی.

8- سید عبد الغفور جهرمی .

9- حاج میزرا ابوطالب زنجانی.

10- آقا میرزا حسین امام جمعه کرمانی.

تألیفات :

برخی از آثار مشهور آن اندیشمند فرزانه عبارتند از :

1- منظومه و شرح منظومه سبزواری که حاصل تلاش 20 ساله حکیم است.

2- دیوان شعر که شامل هزار بیت از غزلیات، رباعیات و اشعار عرفانی می باشد.

3- اسرار الحکم که به خواهش ناصر الدین شاه نگارش یافت.

4- شرح فارسی بر برخی از ابیات مشکل مثنوی مولوی.

5- مفتاح الفلاح و مصباح النجاج که شرح دعای شریف صباح است.

6- شرح الاسماء که شرح دعای جوشن کبیر است.

7- النبراس فی اسرار الاساس که شامل یک دوره فقه در قالب نظم است.

8- راج قراح و کتاب رحیق که در علم بدیع نوشته شده است.

9- حاشیه بر شواهد الربوبیه ملاصدرا.

10- حاشیه بر اسفار اربعه ملا صدرا.

11- حواشی بر کتاب مفاتیح الغیب ملا صدرا.

12- حاشیه بر شرح سیوطی.

13- حاشیه بر کتاب شوارق ملا عبد الرزاق لاهیجی.

14- هدایه الطالبین فی معرفه الانبیاء و ائمه المعصومین.

گفتار بزرگان :

1- (کنت دوگو بینو) وزیر مختار فرانسه که در زمان حیات حکیم به ایران آمده بود می گوید : جناب حاج ملا هادی سبزواری فیلسوف عالیقدری است که معلوماتش بر شالوده محکمی استوار و در تمام رشته های علوم و فلسفه مقام استادی دارد.

2- (دوارد برون) خاور شناس معروف انگلستان در کتاب (در میان ایرانیان) نوشته : او در ایام تحصیل در اصفهان آن چنان در راه تحصیل بخصوص تحصیل فلسفه کوشید که در شبانه روز بیش از چهار ساعت نمی خوابید و سایر اوقات او صرف مطالعه و یا مباحثه با طلاب می شد.

3- محمد اقبال شاعر و فیلسوف پاکستانی می گوید : او بزرگ ترین متفکر عصر اخیر ایران است او به حق جهان بینی ایستای افلاطون را دگرگون کرد از دیدگاه او همه موجودات عالم به کمال عشق می ورزند.

4- (پرفسور توشی هیکو) دانشمند ژاپنی و استاد ممتاز دانشگاه توکیو می گوید : حاج ملا هادی سبزواری صاحب اثر معروف منظومه و شرح آن به عنوان يك عارف از طریق کامل ترین نوع تجربه شخصی قادر بود که به ژرفای اقیانوس هستی و به دیدار اسرار وجود با چشم روحانی خویش راه یابد.

خصوصیات اخلاقی :

ملا به مال دنیا کاملا بی اعتنا بود و تمام ارث پدر را احسان نمود او معتقد بود طعامی که انسان مصرف می کند، باید از دسترنج خود باشد وقتی ناصر الدین شاه قاجار در سفر اول خراسان به سبزوار رسید شخصا به خانه آن مرحوم رفته و بر روی همان حصیر که در اتاقش افتاده بود جلوس نمود و از ملا تقاضا کرد کتابی در اصول دین تألیف نماید وقتی شاه از خانه بیرون رفت پیشخدمت مخصوص شاه وارد و به عرض ملا رسانید، شاه پانصد تومان سکه نقره خدمتتان ارسال داشته اینک بار قاطر سر کوچه است اگر اجازه فرمایید وارد شود فرمود داخل کوچه من ننمایید به حاجی عبدالواهاب بگویید بیایید ببرد مدرسه، نصف پول را به طلاب مدرسه قسمت کند نصف دیگر به فقرا دهد. آن بزرگوار پیوسته به حداقل خوردنی ها و آشامیدنی ها قناعت می کرد.

وی در تمام مدت عمر در يك خانه بسیار ساده زندگی می کرد. خانه ای که در آن سالیان سال به حل و فصل پیچیدگی های منطق و فلسفه پرداخت و منظومه جاودانه خود را در همان خانه سرود. آن خانه گلی که ناصر الدین شاه را در آنجا به حضور پذیرفته بود.

حکیم برای تامین معاش، خود کار می کرد حاج ملا محمد هیدجی در این زمینه می گوید : معاش حکیم منحصر به يك جفت گاو و يك باغچه بود او هر آنچه را که مورد نیاز بود، با دسترنج خودش به دست می آورد و نان سالیانه خود را با زراعتی که خود آن را به عهده داشت مهیا می کرد و بسیاری از غذاهای خود را از همان يك جفت گاو تهیه می نمود.

از ملا هادی سبزواری کرامت های زیادی نقل شده است که به نمونه ای از آنها اشاره می شود. مرحوم حاج شیخ عبد النبی نوری که یکی از فقهای بزرگ بود نقل کرده : ایام جوانی در شهر تهران مشغول به تحصیل علوم بودم و به هر علمی رغبت داشتم و مایل بودم که آن را فرا گیرم، از آن جمله علوم مورد علاقه من علم کیمیا بود عاقبت به تحصیل آن روی آوردم اما این مطلب را از همه افراد همچنان پنهان می داشتم و در واقع به طور مخفیانه در پی کسب آن بودم تا این که روزی يك کاروان از شهرستان نور به قصد زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به مشهد می رفت، من نیز به آن جماعت ملحق شدم موقعی که به شهر سبزوار رسیدم مایل بودم که جهت تبرک به زیارت حکیم بروم از این رو با تعدادی از دوستان به منزل او رفتیم و به دست بوسی وی نایل گشتیم.

موقع خدا حافظی در حالی که حکیم ما را بدرقه می کرد. ناگهان متوجه شدم که با اشاره مرا به گوشه ای فرا می خواند آنگاه در حالی که دوستانم با من کمی فاصله داشتند به آهستگی مرا کمی نصیحت کرد و فرمود : از آن کاری که مخفیانه انجام می دهی بر حذر باش و آن را ترك کن زیرا به صلاح شما نیست. من بلافاصله فهمیدم منظور حکیم همان علم کیمیاست خیلی تعجب کردم و از اینکه تا آن روز احدی از آن با خبر نبود پی به کرامت حکیم بردم و مقام و منزلت آن عارف بزرگ بیش از پیش بر من آشکار گشت.

مقام علمی :

حکیم سبزواری آموزگاری ممتاز و مربی زبر دست در عصر خود بود و عشق عمیقی به تعلیم و تربیت انسان های شایسته داشت. او به کیمیا گری گفته بود : شما می کوشید فلز مس را به طلا تبدیل نمایید و ما تلاش می کنیم مس وجود اشخاص را به طلا تبدیل نماییم.

یکی از گراندترترین آثار علمی حکیم که نشانگر مقام علمی ایشان است و امروزه در حوزه های علمیه و حتی خارج از حوزه جایگاه وسیعی را برای خود باز کرده و به عنوان پشتوانه عظیمی در حکمت و منطق مطرح، و علت اصلی شهرت جهانی وی بوده است کتابی به نام منظومه و شرح منظومه سبزواری است. این اثر نفیس و کم نظیر حاصل تلاش بیش از 20 سال از عمر با برکت حکیم در سنین جوانی می باشد.

وفات :

حکیم عالیقدر حتی تا آخرین روزهای حیات خویش دست از تعلیم و تعلم بر نداشت و در حالی که ضعف و ناتوانی سراسر وجودش را فرا گرفته بود، همچنان در حوزه های درسی شرکت می کرد درست سه روز قبل از وفاتش در حین تدریس از شدت ضعف کتاب از دستش افتاد و به حالت بیهوشی به منزل بردند متأسفانه روز به روز آثار غروب عمر حکیم بر چهره نورانش بیشتر نقش می بست تا اینکه عاقبت آن بزرگوار بعد از 78 سال زندگی پر بار در روز 28 ماه ذیحجه سال 1289 هجری قمری، دعوت حق را لبیک گفت و جسد مطهر آن فقیه نامدار را در بیرون دروازه سبزواری بر سر راه زایران به خاک سپردند.

آغاز انتشار روزنامه مجلس در هشت صفحه و با چاپ سربی در سال 1285 هجری شمسی

انتشار روزنامه مجلس در هشت صفحه و با چاپ سربی در سال 1285 هجری شمسی آغاز شد. روزنامه مجلس افزون بر درج اخبار داخلی و خارجی کلیه مذاکرات مجلس شورای ملی را هم منعکس می کرد و هر هفته چهار شماره از این روزنامه منتشر می شد. سردبیری روزنامه مجلس را ادیب الممالک فراهانی به عهده داشت و مظفرالدین شاه مدیریت روزنامه مجلس را به سید محمد صادق طباطبایی و امتیاز آن را به میرزا محسن مجتهد واگذار کرده بود.

کشف عامل بیماری مالاریا در سال 1880 میلادی

«#؛آلفونس لاوران « پزشک و محقق فرانسوی، «#؛هماتوزوئر» عامل بیماری مالاریا را در سال 1880 میلادی کشف کرد. دکتر لاوران بواسطه تحقیقات ارزشمند و دقیق خود در علم پزشکی موفق به کسب جایزه نوبل در طب و فیزیولوژی شد.